



• پوستر فیلم "زنک اول... زنک دوم" (۱۳۵۶) ساخته‌ی کیومرث پوراحمد



THE COIN
FOTODUPLIKASI...
N. Haghghi
DIREKTOR...
A PRODUCTION OF...
THE OFFICE FOR THE PROTECTION OF...
CINEMA AND VIDEO...

سکه

فیلمبرداری سناریست و کارگردان:
نعمت حقیقی
مدیر:
محمد کوخردی
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان



پوستر فیلم "سکه" (۱۳۵۶) ساخته‌ی نعمت حقیقی

سینمای آما تور

نخستین شکل

• همپای پیشرفت ابزار فنی سینما، دوربین ۸ میلیمتری نیز به بازارهای جهانی راه یافت. قابلیت‌های این وسیله کوچک و ارزانقیمت، سبب شد تا افراد بسیاری برای منظوره‌های گوناگون از آن بهره‌برداری کنند. تصویربرداری از مجالس میهمانی و یادبودهای خانوادگی بیشترین نوع استفاده از این دوربین را تشکیل می‌داد. با اینحال، عده‌ای از علاقمندان به سینما و فیلمسازی به‌علل مختلف از جمله دور بودن از امکانات حرفه‌ای و یا عدم توانایی در بکارگیری ابزارهای پیچیده‌ی فیلمسازی، جذب کار با این وسیله شدند. فیلمهای قابل توجهی که با دوربین‌های ۸ میلیمتری ساخته شدند، رفته رفته زمینه‌ی آن را بوجود آوردند که در چارچوب سینما، جایی نیز به فیلمسازی تجربی و آمانوری داده شود.

با آمدن دوربین ۸ میلیمتری به ایران، افراد بسیاری برای کار به آن روی آوردند. نخستین فیلمها در سال‌های ۴۷ - ۱۳۴۶ ساخته می‌شود و "عبدالحسین سپنتا"، از بنیانگذاران سینما، در اینجا نیز در صف نخست قرار دارد. او که به‌دلیل نپذیرفتن مناسبات حاکم بر سینمای ایران خود را برای سالهای طولانی از کار حرفه‌ای کنار نگاهداشته بود، تجربه‌ورزی با دوربین ۸ میلیمتری را آغاز می‌کند و فیلمی به‌نام "پائیز" می‌سازد.

فیلمسازی ۸ در ایران به‌تدریج پا می‌گیرد و روز به‌روز افراد بیشتری به آن گرایش می‌یابند. تعداد روزافزون سازندگان فیلمهای ۸ سبب می‌شود تا فکر ایجاد یک تشکیلات به‌میان آید. از این رو، تعدادی از دست‌اندرکاران در سال ۱۳۴۸ در دفتر مجله‌ی نگین جلسه‌ی بحث و مشاوره‌ی تشکیل می‌دهند و چندی بعد نام "سینمای آزاد ایران" بر خود می‌نهند. سینمای آزاد بزودی بصورت جایگاهی برای جلب جوانان علاقمند درمی‌آید، و با بالا رفتن تعداد اعضا، شهرستانهای اهواز،

اراک، اردبیل، اصفهان، ارومیه، بندرعباس، تبریز، بوشهر، خرم‌آباد، شیراز، کرمان، همدان و مشهد نیز، زیر پوشش سینمای آزاد قرار می‌گیرد. دیری نمی‌پاید که وزارت فرهنگ و هنر نیز، مرکزی را به نام "سینمای جوان"، به این زمینه از فیلمسازی اختصاص می‌دهد. با افزایش مراکز فیلمسازی آماتور، فیلمهای ساخته شده فزونی می‌گیرد. نمایشهای گروهی در مکانهای مختلف آغاز می‌شود. و سرانجام، این محصولات به چند جشنواره داخلی و خارجی راه پیدا می‌کنند.

و به این ترتیب سینمای تجربی رونق می‌گیرد و گسترش می‌یابد. اما امروزه در یک بازنگری می‌بینیم که سینمای آزاد و دیگر جریانهای فیلمسازی آماتور - نظیر سینمای جوان - عمدتاً به دلیل دنباله روی از سینمای پیشناز (آوانگارد)، "زیرزمینی"، و "تجربی" آمریکا و اروپا و تا حدی به علت آزادی در بیان اندیشه‌های شخصی، در شکل‌گرایی و ساختن فیلمهای نامانوس، آشفته، و درک‌ناپذیر افراط کردند و در نهایت نتوانستند تاثیری دگرگون‌کننده بر سینمای حرفه‌ای تجاری بگذارند. با اینحال، در میان انبوه فیلمهای مغشوش و تمرین‌های بی‌هدف با دوربین، چند اثر قوی و دلنشین نیز بوجود آمد که می‌توان از آنها به‌عنوان تنها دستاوردهای جدی سینمای آماتوری ایران یاد کرد.

نظر سینمایی نویسان

• برای آشنایی همه‌جانبه‌تر با سینمای آماتور ایران، دیدگاههای برخی از سینمایی‌نویسان را در اینجا نقل می‌کنیم (برای حفظ یکدستی، نکات مشابه این مطالب حذف نشده است).

حمید شعاعی می‌نویسد: *

"وقتی سینمای آزاد گارش را آغاز کرد به سینمای آماتور ایران توجهی نمی‌شد. ما یک سینمای خانوادگی داشتیم که برای تفریح و گردش روزهای تعطیل خانواده‌ها مناسب بود و کسانی که توانایی مالی داشتند روزهای تعطیل از خود و خانواده فیلمبرداری می‌کردند و خاطراتی برایشان باقی می‌ماند. سینمای آماتور ایران وقتی خواست از همین وسایلی که به‌عنوان یک سینمای خانوادگی شناخته شده بود برای یک کار جدی استفاده کند، با ناباوری برخورد کرد و کسی نمی‌توانست بپذیرد که با فیلم هشت میلیمتری هم می‌شود یک کار جدی سینمایی کرد. تعداد فیلم‌هایی که در سینمای آماتور ایران در سال ۴۸ ساخته شد در حدود ۲۰ تا ۳۰ عدد بود و الآن فقط در گروه سینمای آزاد در تهران در سال صد فیلم ساخته می‌شود و حدود پانصد فیلم ۸ میلیمتری معمولاً از چند دقیقه تا نیمساعت در سینمای آزاد شهرستانها ساخته می‌شود. کم‌کم گروههای دیگری نیز بدنبال سینمای آزاد فعالیتشان را آغاز کردند. از سال ۵۱ در گانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کلاسهایی برای فیلم نوجوانان علاقمند به سینما تشکیل شد. و همچنین از

سال ۵۳ اداره گل همکاریهایی سمعی و بصری وزارت فرهنگ و هنر بعنوان سینمای جوان گروههای آماتور تشکیل داد. هم‌اکنون در ایران مصرف گالای فیلم‌برداری و فیلم خام بنحو قابل توجهی افزایش یافته و کمپانی‌ها درصدد وارد کردن وسایل جدید هستند. نخستین کسانی که کار با گروه سینمای آزاد را آغاز کردند می‌توان از شهریار پارسی، بهنام جعفری، هرمز ناظم‌زاده، همایون پایور، کورش افشاریناه، نصرالله شیبانی نام برد، که قبل از سینمای آزاد یک یا چند فیلم ۸ نورمال ساخته بودند که کارهایشان در دومین جلسه سینمای آزاد که آبان‌ماه ۴۸ در دانشکده هنرهای دراماتیک برگزار شد نمایش دادند. هم‌اکنون سینمای آزاد در تهران پنجاه عضو سینماگر و هشتصد عضو تماشاگر دارد. در شهرستانها نیز بطور متوسط هر شهرستان سی نفر سینماگر و پانصد عضو تماشاگر، در گروه سینمای آزاد فعالیت می‌کند.

لاله تقیان در مقاله‌ی "سینمای آماتور ایران" می‌گوید: *

"گروهی از جوانان علاقمند به سینما و بیشتر دانشجویان دانشکده هنرهای دراماتیک و دانشجویان مدرسه تلویزیون تعدادی فیلم به‌طریقه ۸ میلیمتری و معدودی فیلم ۱۶ میلیمتری ساخته بودند که مکانی برای نمایش آنها وجود نداشت. بنابراین فکر ایجاد سینمای آزاد، در وهله اول این بود که کلوبی باشد برای نمایش این فیلم‌ها، و به‌همین ترتیب در مهرماه سال ۱۳۴۸ اولین جلسه سینمای آزاد با نمایش ۵ یا ۶ فیلم دانشجویی و جلسهای برای بحث درباره فیلم‌ها تشکیل شد. بعد این کلوب اعلام کرد که هر کس فیلم ۸ میلیمتری ساخته، می‌تواند در این مکان به‌نمایش بگذارد و در نتیجه جلسه بعد در کودکانستان گاخ یا نمایش تقریباً ۴۰ فیلم تشکیل شد. سومین جلسه سینمای آزاد یک ماه بعد در دانشکده هنرهای دراماتیک تشکیل شد و در این جلسه شاید تمام فیلم‌های ۸ میلیمتری ساخته شده در ایران (حدود ۱۰۰ فیلم) به‌نمایش درآمد که از میان آنها دو یا سه فیلم ناطق، و بقیه صامت بودند. از این پس سینمای آماتور ایران با جمعیتی در حدود ۲۰۰ نفر که بیشتر آنها دانشجویان دانشکده‌ها بودند، با انتخاب نام سینمای آزاد، این فعالیت را ادامه دادند و جلسات جدی‌تری به‌نمایش فیلم اختصاص یافت. کم‌کم فکر شروع فیلم‌سازی، همراه با فعالیت‌های کلوب نمایش فیلم قوت گرفت و چند تن از فیلم‌سازان آماتور، بصیر نصیبی، بهنام جعفری، شهریار پارسی‌پور، فریدون شیبانی، ابراهیم وحیدزاده و ابراهیم فروزش این همکاری را آغاز کردند.

با گسترش فعالیت‌های فیلم‌سازی این گروه، کلوب نمایش فیلم در درجه دوم اهمیت قرار گرفت، اما آغاز فیلم‌سازی به‌ر حال نیاز بیشتری را به‌نمایش فیلم ایجاب می‌کرد.

این بود که سینمای آزاد با کوشش‌هایی توانست فعالیت نمایشی خود را در دانشگاه صنعتی دنبال کند و در جلسات معدودی فیلم‌های ساخته شده را به نمایش بگذارد و به بررسی آنها بپردازد.

به تدریج از فیلمسازی بیشتر استقبال شد و ازدیاد تعداد فیلم‌های ساخته شده توسط سینماگران آماتور، ایجاب می‌کرد تا نمایش آنها با انتخاب و داوری همراه باشد، که این آغاز برگزاری جشنواره‌های کوچکی برای نمایش فیلم‌های آماتوری بود. برگزاری جشنواره‌های متعدد سینمای آزاد، انتخاب فیلم‌های بهتر و در نظر گرفتن جوایزی برای این جشنواره‌ها سینمای آماتور ایران را جدی‌تر مطرح کرد تا آنجا که گسترش این فعالیت‌ها از محدوده تهران فعالیت‌های سینمای آزاد شهرستانها نیز با نمایش فیلم آغاز شد و به فیلم‌سازی انجامید، یعنی در واقع همان مسیر، در شهرستانها نیز با برگزاری جشنواره‌ها و توزیع جوایز صورتی رسمی به خود گرفت. اما سینمای آماتور ایران به اینجا محدود نشد و فیلم‌هایی که با همکاری این کلوب سینمایی ساخته شد، توانست به قابلیت‌هایی دست یابد که در جشنواره‌های سینمای ۸ میلیمتری در کشورهای چون فرانسه و ژاپن با موفقیت روبرو شود.

اما بهر حال سینما یک هنر پرهزینه است که مسائل اقتصادی در کیفیت‌های آن بسیار موثرند و به این ترتیب گسترش فعالیت‌های سینمای آزاد ایران، ضرورت‌های مادی را ایجاب می‌کرد، چرا که فیلم‌سازی نیاز به ابزار و وسایل دارد و ناگزیر به بودجه‌ای برای تامین این‌گونه نیازها است. این مساله مهم سبب شد تا سینمای آزاد توجه تلویزیون ملی ایران را به خود جلب کند و به صورت یک گروه وابسته، از امکانات این سازمان بهره گیرد. امکاناتی که در پیش برد هدف فیلم‌سازی تأثیری بسیار داشت، به طوری که سینمای آزاد ایران به ثبات رسید.

امروز سینمای آزاد ایران به صورت یک مرکز سینمای آماتور فعال کار می‌کند و این فعالیت بخصوص در ایجاد تسهیلاتی برای جوانان علاقمند به فیلمسازی است. این تسهیلات نیز بیشتر تامین ابزار و لوازم کار سینما نظیر دوربین، فیلم خام، میز مونتاز و امکانات ضبط صدا در کارگاه فیلم. یعنی در واقع ۹۰ درصد از وسایل مورد لزوم در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد. اما ده درصد بقیه با تلاش و کوشش فیلمساز تامین می‌شود. این خود مساله مهمی در سینمای آماتوری است.

اقدام مهم دیگر سینمای آزاد، تشکیل کلاس‌هایی با دوره‌های کوتاه مدت برای سینماگران آماتور است. این دوره که دو ماه و نیم طول می‌کشد، به منظور آشنایی بیشتر فیلمسازان جوان با جنبه‌های مختلف هنر و ارتباط آنها با فیلمسازی است. . . . مساله مهم دیگر در سینمای آماتور، علاوه بر ارزشی که در پرورش ذوق و امکان تجربه دارد، ارتباطی است که می‌تواند با سینمای حرفه‌ای ایجاد کند، چه از این نظر که می‌تواند

زیربنایی برای سینمای حرفه‌ای باشد و چه به‌خاطر تربیت کسانی که خواهند توانست رابط‌های درست با هنر سینما برقرار کنند.

آینده سینمای آماتور، لزوماً "سینمای حرفه‌ای نیست و می‌تواند همیشه به‌عنوان یک هنر جنبی برای اشخاص مطرح باشد. اما عده‌ای هم آینده خود را در سینمای حرفه‌ای جستجو می‌کنند، که در این مورد سینمای آزاد می‌خواهد امکاناتی فراهم آورد تا این دسته از فیلمسازان آماتور به یک مرز نیمه‌حرفه‌ای برسند، یعنی با استفاده از امکانات تلویزیون ملی، فیلمساز آماتور از طریق سینمای آزاد، می‌تواند به‌تدریج فیلم‌های ۱۶ میلیمتری و ۳۵ میلیمتری بسازد.

اما در مورد دوم، سینمای آزاد توانسته است تا حدودی در تماشاگر سینمای ایران تاثیر بگذارد. این تاثیر از طریق جلسات نمایش و بررسی فیلم و همچنین از طریق برنامه تلویزیونی سینمای آزاد بوده است که در آگاهی مردم نسبت به سینما و سینمای آماتور می‌تواند ارزش‌هایی داشته باشد. این مساله بخصوص در کثرت علاقمندان به کار سینمایی بصورت آماتور و استقبال بیشتر از فیلم‌های ۸ میلیمتری دیده می‌شود.

با شکل گرفتن کار سینمای آزاد در ایران، گروه‌های دیگری نیز به فیلمسازی آماتور پرداختند. گروهی در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فیلمسازی کودکان و آموزش سینما به کودکان را آغاز کرد. گروه دیگری با سرپرستی "بیژن مهاجر" در وزارت فرهنگ و هنر "سینمای جوان" را تشکیل دادند و همچنین برگزاری جشنواره فیلمسازان جوان منطقه آسیا (وابسته به اتحادیه آسیایی رادیو و تلویزیون) نیز نمایشگر توسعه فعالیت‌های سینمای آماتور هستند.

میان این گروه‌ها، سینمای جوان فعالیت گسترده‌تری را آغاز کرده است و اگرچه بیش از یک سال از فعالیت این سازمان نمی‌گذرد، توانسته است در جهت هدف‌های خود، به موفقیت‌هایی برسد.

سینمای جوان ایران به‌وجود آمده است تا پایگاهی باشد برای سینمای نو که در حال تولد و پیدایش است و کوششی باشد قاطع، مستقیم و عینی در جهت شناخت فرهنگ و هنر این سرزمین و هدف از ایجاد این سازمان و برگزاری جشنواره مسابقه‌ای سینمای جوان، راهبری نیروی جوانان کشور در جهت شناخت فرهنگ و هنر ملی است. سینمای جوان ایران فعالیت‌های خود را در تهران و شهرستانها از طریق کلاس‌های آموزش سینما، ایجاد امکانات برای فیلمسازی جوانان و همچنین برگزاری جشنواره‌های از فیلم‌های آماتور آغاز کرده است، با این تفاوت که سینمای جوان، تهیه فیلم‌های تحریری را در محدوده یک موضوع قرار می‌دهد و به‌ویژه برای فیلم‌هایی که در جشنواره شرکت می‌دهد تم خاص، براساس تم جشن فرهنگ و هنر را برمی‌گزیند و جشنواره را در دو مرحله منطقه‌ای و سراسری برگزار خواهد کرد. این نیز می‌تواند در ایجاد یک جهت خاص برای فیلمسازی



موثر افتد و تحریک‌های باشد برای فیلمسازی آماتور ایران .

توسعهٔ فعالیت‌های فیلمسازی آماتور در ایران و امکاناتی که برای تجربه در کار سینما برای ذهن‌های جوان فراهم شده است ، اگر هدف‌های سازندهٔ خود را با جدیت دنبال کند ، مستقیماً خواهد توانست در پیش‌برد صنعت سینمای کشور بسیار موثر باشد .

برای آنکه واقعیات ساخت و ساز سینمای آزاد بنحو قابل لمس‌تری مطرح شود ، با مهدی صباغزاده و عبدالله باکیده - دو تن از سینماگرانی که فیلمسازی آماتوری را با سینمای آزاد آغاز کردند - در ۱۶ فروردین ۱۳۶۲ گفتگویی انجام شد که در زیر می‌آید .

علل گرایش و فضای کار در سینمای ۸

• صباغزاده - از بدو آشنایی با دوربین و سینمای ۸ ، ما احساس کردیم که با این امکانات محدود می‌شود کارهایی صورت داد ، مثلاً "تکنیک‌های اولیه ساختن فیلم را آموخت . همین تفکر باعث آن شد تا آنهایی که بصورت غریزی کشش به این کار داشتند رو به این نوع فیلمسازی آورند ، و آنچه را که در ذهن داشتند تصویر کنند . این افراد بعد از گذشت چند سالی به یکنوع پختگی در کار می‌رسیدند ، چه از نظر تکنیکی و چه از نظر ذهنی . بهر حال این شکل از کار سینما بقول باکیده سیاه‌مشق‌هایی بود برای کارهای آینده . بعد از مدتی که تعداد فیلمسازان زیاد شد ، تشکیلاتی هم بوجود آمد . این تشکلهای باعث شد تا تکنیک‌های فردی رویهم گذاشته شود و تکنیک‌های تکامل یافته‌تری در فیلمها عرضه شود . همین امر نیز باعث شد با فیلم‌های سه دقیقه‌ای به سی دقیقه برسد .

بهر حال سینمای ۸ مکان مناسبی بود برای آموزش ، آموزشی که از خود گذشتگی می‌خواست تا فردی به مراحل بالاتری دست یابد . در مورد از خودگذشتگی باید گفت که ما از پول نوجیبی ، از درس و مشق و چند نمونه مشابه دیگر می‌باید می‌گذشتیم ، از جمله آنکه به زندگی و خانواده کمتر می‌رسیدیم ، تا بتوانیم به شور و علاقه خود جامه عمل بپوشانیم . در مجموع این حرکتها ، این تشکلهای ، نتایج خوبی هم داشت ، یعنی با آن آموزشها که بچه‌ها دیدند توانستند قدمهای موثری بردارند . اینان سینما را با ذهن و کار خود تجربه کردند . این بچه‌ها خودساخته‌اند .

عبدالله باکیده - سال ۴۷ - ۴۸ بود ، سینمای دنیا دچار یک رکودی شده بود ، رکود از این نظر که همواره چند فیلم از چند سینماگر خاص مطرح بود و بس . در همین سالها به‌ندرت یک فیلمساز جوان در سینمای امریکا یا اروپا خودی نشان میداد . در این سالها ، یک گروه سینماگر زیرزمینی بوجود آمدند ، که دوربین ۸ را بکار گرفتند . در ایران از طریق ترجمه مقالاتی توسط هوشنگ حسامی و کیومرث وجدانی و چند تن دیگر در مطبوعات راجع به این نوع سینما و سینماگران ، یک عده از جوانان از دوربین ۸ ، بعنوان وسیله‌ای برای بازتاب اندیشه‌هایشان استفاده کردند . از افرادی که در شهرهای مختلف شروع به کار کردند از اینان می‌شود نام برد ؛ در مشهد ندین ، جیرانی ، در اهواز کیانوش عیاری ، در خرم‌آباد ناصر غلامرضائی ، من در همدان ، درویش حیاتی در آبادان ، در

اصفهان زاون فوکاسیان ، در بهران حسن بی‌هاشمی ، بهنام جعفری* و ناظم‌زاده . این افراد در آغاز بصورت گروه‌های محلی شکل یافتند . در تهران اولین جلسه در دفتر روزنامه نکین تشکیل شد که نصیبی بعنوان مسئول روابط عمومی تعیین شد ، که ایشان بعداً افراد را گرد آوردند و نتیجتاً سینمای آزاد پایه‌گذاری شد . بعد از چندی نصیبی با تلویزیون آموزشی تماس گرفت با برنامه‌ای بنام "آغاز" در آنجا برگزار شود ، که شد . در این برنامه تلویزیونی ، فیلمهای سینما آزاد ضمن معرفی مورد نقد و بررسی نیز قرار میگرفت . در ضمن برای آنکه کار گروه یک انعکاس عمومی داشته باشد ، جلسات نمایش فیلم به دانشگاه صنعتی برده شد ، که مناسبانه همین امر باعث شد تا این نوع سینما به فضائی روشنفکرانه کشیده شود ، که تاثیر نه‌چندان خوب آنرا بعداً روی مضامین فیلمها می‌بینیم . به‌همین جهت در همان آغاز منتقدانی چون "دوائی" و دیگران بودند که در رد چنین مضامینی مقالاتی را تحریر کردند .

مضامین فیلمها

• صباغزاده - اما درمورد موضوعاتی که بچه‌ها انتخاب می‌کردند ، در آن شرایط خفقان ، سینمای آزاد پناهگاهی شده بود برای سینماگران آماتور ، تا بتوانند آنچه که در ذهن داشتند نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی تصویر کنند . البته در آن زمان مثل حالا افکار و اندیشه‌ها جهت‌گامی نداشت . اما به‌رحال با همان طرز تفکر فیلمهایی ساخته شد که عمدتاً مسائل خود را با نمادگرایی و سمبل‌گرایی بیان می‌کردند . مثلاً "فیلمی بنام "کلاغ بر" ساخته‌ی علیرضا اردلان که جایزه هم گرفت . چنین فیلمی با آن سوژه نه واقع‌گرایانه بود و نه غیرواقعی ، اما همین فیلم هم آنچنان تفکری پست سر داشت که علیرغم بردن جایزه توقیف شد .

پس در کلیت به‌خاطر علت ذکر شده ، بچه‌ها سعی می‌کردند مضامین آثارشان را به‌صورت نمادین مطرح کنند که بالطبع زبان و شکل خاصی را نیز طلب میکرد . زبان و تصاویری که دانشجویان و دیگر روشنفکران از آن آگاهی می‌یافتند . البته یک‌دسته از فیلمها هم بودند که واقع‌گرایانه ساخته می‌شدند - که درصد کمتری را داشتند - مثلاً "آثار غلامرضائی را در این رابطه می‌شود ذکر کرد .

علت پیوند نخوردن این سینما با مردم را باید در همان نمایی بودن آثار جستجو کرد . از عوامل دیگر برگزاری جشنواره‌ها بود ، که در مکانهای خاصی برپا می‌شد . همین مورد ، در تهران شدت بیشتری داشت ، درصورتی که در شهرستانها کمتر اینچنین بود ، مثلاً در مشهد که فیلمها در سالن شیروخورشید بنمایش درمی‌آمد و ما در آنجا همه‌گونه تماشاگر داشتیم ، هم مردم عادی و هم دانشجویان .

* بهنام جعفری یکی از چهره‌های جوان و پرتحرک سینما آزاد بود و در کارهایش نوآوری و تسلط تکنیکی به‌چشم می‌خورد . او طی یک حادثه‌ی رانندگی در جاده‌های شمال ، چشم بر جهان فرو بست .

باکیده - در مورد مضامین فیلمها باید از اینجا شروع کرد که: سینمای آزاد بواسطه برگزاری جشنواره‌های گوناگون تبدیل به یک "شرکت پخش فیلم" شده بود. بدین ترتیب شما می‌توانستید هرگونه فیلم با مضامین گوناگون در آن بیابید، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره. در اینجا نیز همانند سینمای حرفه‌ای اگر در سال فیلمهای زیادی ساخته می‌شد دلیل آن نبود که همه آنها آثاری خوب و جالب باشند. چنین است که این پخش فیلم با برگزاری یکسری جشنواره، پخش کالا می‌کند. پخش کالا برای یک سیستم فکری خاص. این سیستم فکری چگونه ایجاد می‌شد؟ بوسیله جایزه دادن به بعضی از فیلمها، چرا که همان فیلمهای جایزه گرفته، الگو می‌شد برای بقیه فیلمسازان. از این نوع مضامین جهت داده شده که بگذریم، چند نوع موضوع دیگر نیز وجود داشت. یک نوع موضوع برای فیلم بود، که فیلمساز آنها از سینمای حرفه‌ای بجاری کسب می‌کرد، به این صورت که مثلاً بعد از نمایش فیلم هالو، فیلمی در سینمای آماتور بوجود می‌آمد که در ابعادی کوچکتر تقلیدی از همان فیلم بود. یک نوع موضوع دیگر نیز وجود داشت که برای سازندگانش ایجاد سبک و روش کرده بود. مثلاً غلامرضائی و یا بنی‌هاشمی که با دیدی عاطفی به مسائل منطقه‌ی زیستی خود می‌نگریستند، بنابراین آثاری که آنها می‌ساختند ضمن داشتن زمینه‌های مردم‌گرایانه شکل خاصی از سینمای ۸ را نیز مطرح میکردند.

در مورد عدم ارتباط سینمای آماتوری با مردم، من نیز همان نظریات صباغزاده را دارم.

مسائل اقتصادی

• صباغزاده - در آغاز که بچه‌ها شروع بکار کردند، همگی با گذشتن از هزینه‌های ضروری روزمره‌شان، فیلم می‌ساختند. بعد که شکل بوجود آمد نظر رژیم هم به این سینما جلب شد. رژیم گذشته با آگاهی از شرایط اقتصادی و نداشتن امکانات فنی در نزد ما، سعی کرد از موقعیت بهره‌برداری کند، اما بچه‌ها با هوشیاری توانستند این حيله را خنثی کنند. در آغاز که سیل امکانات فنی به مراکز سرازیر شد کیفیت آثار نیز پائین آمد، بدلیل همان هوشیاری، بچه‌ها منوجه شدند که دوربین بعنوان عامل ارزنده و باارزش، شخصیش را از دست داده است، از این رو با دقت نظر بیشتری فیلم ساختند، که ما نتیجه‌اش را در جشنواره هشتم دیدیم و آن توقیف ۲۴ فیلم بود.

از مسائل دیگر اقتصادی، دادن جایزه نقدی به فیلمسازان در جشنواره‌ها بود. جایزه‌هایی که جهت سیاسی داشتند. با این جوایز سعی می‌شد به فیلمها سمت و سو داده شود، که چندان موثر واقع نشد.

طرح مسائل سیاسی در فیلمها

• باکیده - مسائل سیاسی بصورت صریح، بسیار محدود در فیلمها طرح می‌شد و این طرحها هم

از پختگی و پشتوانه فکری مستحکمی برخوردار نبودند، که بی‌شک در آن دوران، کمابیش چنین نیز می‌بایست می‌بود. بهر حال در آن زمان غالب موضوعاتی که روی آن دست گذاشته می‌شد، به‌نوعی مسئله‌ای از اجتماع را مطرح میکرد و این از نظر رژیم یک فیلم سیاسی محسوب می‌شد. مثلاً "فیلمهای ناصر غلامرضائی که روی موضوع فقر دست می‌گذاشت، خوب این فیلم خواه ناخواه تبدیل می‌شد به یک فیلم سیاسی و یا حداقل به آن، به‌چشم یک فیلم سیاسی نگاه می‌کردند. رژیم گذشته دوست داشت علاقمندان به سینمای آماتور همچون "بازی"، یک بازی فوتبال، به فیلم و فیلمسازی در گذر نگاه کنند. اما چند فیلم خوبی که عرضه شد، او را منوجه کرد که اینچنین نیست، از این رو سعی کرد فیلمسازان را زیر چتر اقتصادی خود قرار دهد. ابتدا یک برنامه نیم‌ساعته در تلویزیون به نصیبی داده شد، بعد یکسری امکانات از تلویزیون به سینمای آزاد سرازیر شد. اما بچه‌های آگاه کم و بیش به‌راه خود می‌رفتند. بعد سعی شد از بصیر نصیبی که در آغاز فرد صدیقی بود بعنوان یک عامل جهت دهنده اسفاده شود، که در همین رابطه نصیبی با بهای گزافی فیلمهای زیرزمینی آمریکا را می‌خرد و مبلغ چنان سینمایی می‌شود. هیچکدام از این لطایف الحیل فیلمسازان آگاه را از راه خود منحرف نمی‌کند. در آخر تنها یک حربه باقی می‌ماند و آن هم کنترل مضامین فیلمها قبل از ساخته شدن است، به‌همین دلیل عده‌ای از بچه‌ها از سینما آزاد کنار رفته، با سرمایه شخصی شروع به ساختن فیلم می‌کنند. در مورد اکثریت بچه‌های باقی‌مانده، آن کنترل همچنان حاکم بود.

همانطور که اشاره شد، در جشنواره هشتم ۲۴ فیلم توقیف می‌شود، فیلمهایی مثل "واهمه"، "آن سوی آتش"، "زیر طاقهای کاهگلی"، "زیارت"، "چاقو"، "کلاغ پر" و چندتای دیگر. بعد از چهل و هشت ساعت چهار فیلم را برمی‌گردانند و بقیه بجز فیلمهای "آن مرد اسب دارد"، "زیارت"، "آن سوی آتش" و "واهمه" بعد از انقلاب نیز یافت نشدند. این حربه نیز موثر واقع نمی‌شود، از این رو به فکر ایجاد سینمای جوان در تقابل با سینمای آزاد می‌افتند. سینمای جوان بوجود می‌آید با یک فرمول فیلمسازی از پیش تعیین شده. در همین دوران است که چند برخورد حاد در سینمای آزاد بوجود می‌آید. برخورد اول مربوط می‌شد به مخالفت با وابستگی به تلویزیون، که نتیجه آن اخراج بعضی از فیلمسازان از سینمای آزاد می‌شود، اخراج افرادی همچون مجید قاری‌زاده و محمد سجادی. برخورد دوم، که در بهمن سال ۵۶ اتفاق افتاد، مربوط بود به ایستادگی فیلمسازان سینما آزاد در برابر خودرایی بصیر نصیبی. در همین برخورد است که تصمیم‌گیری شورای برای اولین بار مطرح می‌شود.

مراکز فیلمسازی آماتور

• سینمای آزاد - در مهرماه سال ۱۳۴۸ در کودکان "کاخ کودک" جمعیتی در حدود سی نفر گرد هم آمدند و با نمایش چند فیلم کوتاه نخستین جلسه‌ی نمایش فیلم سینمای آزاد را بنیان نهادند. فریدون رهنما نیز که تائیدها و تشویق‌هایش نقش موثری در شکل گرفتن چنین مراکزی



داشت، در این جلسه شرکت کرده بود. این کودکان، که "لئونید سروریان" آنرا در اختیار کرده گذاشته بود، گنجایش محدودی داشت. و در نتیجه، جلسه دوم و سوم سینمای آزاد در داسکند هنرهای دراماتیک برگزار شد، و جلسه چهارم به دعوت "انجمن فیلم دانشگاه صنعتی" در این دانشگاه تشکیل یافت. همکاری "انجمن فیلم دانشگاه صنعتی" به گسترش برنامه‌های سینمای آزاد کمک کرد. پس از چندی سینمای آزاد محل برگزاری جلسانش را به کارگاه نمایش تلویزیون انتقال داد. اما آنجا نیز کوچک بود و امکانات معدودی داشت. بنابراین از خرداد سال ۱۳۵۳ سینمای آزاد برای اجرای برنامه‌هایش از آمفی‌تئاتر مدرسه عالی تلویزیون و سینما استفاده کرد.

همچنان که آمد، سینمای آزاد از سال ۱۳۵۰ از حمایت تلویزیون ملی ایران برخوردار شد و به آن وابستگی پیدا کرد. خرید وسایل فیلمبرداری برای تهران و مراکز شهرستانها، تهیه فیلم خام برای فیلمسازان، اجاره‌ی مکان برای دفتر سینمای آزاد تهران و در اختیار گذاشتن یک برنامه‌ی نیم‌ساعته تلویزیونی به نام "سینمای آزاد"، که هر هفته از شبکه سرتاسری پخش می‌شد، از جمله کمک‌های تلویزیون بود. کار سینمای آزاد که بالا گرفت، مراکزی در شهرستانها برپا می‌کند. از جمله کارهای دیگر سینما آزاد چاپ و پخش نشریه‌ی به نام "سینمای آزاد" بود.

فیلمهای زیر از جمله کارهایی هستند که در سینمای آزاد ساخته شدند:

• آلوک - ساخته‌ی کریم دانیالی، ۱۰ دقیقه، ۱۳۵۳.

• آنسوی آتش - ساخته‌ی کیانوش عیاری، ۳۰ دقیقه، ۱۳۵۲.

• آن مرد است دارد - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی، ۳۰ دقیقه، ۱۳۵۴.

• آوار شب - ساخته‌ی مهدی صباغزاده، ۱۳۵۶.

• ارتفاع متروک - ساخته‌ی بهنام جعفری، ۲۸ دقیقه، ۱۳۵۱.

• از پشت شیشه - ساخته‌ی رضا عفتی.

• از دست رفته - ساخته‌ی مجید جوانمرد، ۴ دقیقه، ۱۳۵۳.

• استقلالیان - ساخته‌ی اکبر خواجوی.

• افسانه کیوت‌های باقرمز - ساخته‌ی هرمز ناظم‌زاده.

• افق تیره - ساخته‌ی یداله تیموری، ۱۵ دقیقه، ۱۳۵۴.

• اگر باران می‌بارد - ساخته‌ی ولی صدی.

• اقول - ساخته‌ی رحیم علی افشاری.

• انبها - ساخته‌ی مجید قاری‌زاده، ۱۳۵۴.

• انشاء - ساخته‌ی حمید جهانگیران.

• انعکاس - ساخته‌ی کیانوش عیاری، ۳ دقیقه، ۱۳۵۰.

• او - ساخته‌ی حداد کاوه، ۲۰ دقیقه، ۱۳۵۴.

• اوبوئی - ساخته‌ی سید بهاء طاهری، ۱۸ دقیقه، ۱۳۵۴.

• بادبادک - ساخته‌ی مه‌رمان وزیری، ۱۰ دقیقه، ۱۳۵۲.



- باد زخمی - ساخته‌ی آرمان امید ، ۲۵ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- باران - ساخته‌ی مهرداد تدین ، ۲۸ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- بازی تمام شد - ساخته‌ی مهرداد تدین ، ۲۸ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- بایرام - ساخته‌ی مجید قاریزاده ، ۱۳۵۶ .
- برکه خشک - ساخته‌ی حسن بنی‌هاشمی ، ۳۳ دقیقه ، ۱۳۵۲ .
- به کجای این شب تیره - ساخته‌ی داریوش ارجمند ، ۱۳۵۳ .
- پشت اون کوه - ساخته‌ی فرامرز صدیقی ، ۱۰ دقیقه .
- تا شامگاه - ساخته‌ی اردشیر شلیله ، ۱۶ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- تشنه - ساخته‌ی همایون پایور ، ۸ دقیقه ، ۱۳۵۰ .
- جاده (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی بهروز میرزائی ، ۳ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- چریانه - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی ، ۲۸ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- چه پرستاره بود شبم - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی ، ۱۳۵۶ .
- حرکت در قوس - ساخته‌ی رحیم علی‌افشاری ، ۲۲ دقیقه ، ۱۳۴۹ .
- خاکباران - ساخته‌ی کیانوش عیاری ، ۱۳۵۵ .
- خانه ابری - ساخته‌ی ابراهیم حقیقی ، ۱۵ دقیقه ، ۱۳۵۲ .
- دام - ساخته‌ی کیانوش عیاری ، ۲۰ دقیقه ، ۱۳۵۱ .
- در فلق - ساخته‌ی زاون قوکاسیان ، ۱۵ دقیقه ، ۱۳۵۲ .
- دستها - ساخته‌ی محمد ترکالکی ، ۳ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- راه ساخته (نقاشی متحرک) - ساخته‌ی بهروز میرزائی ، ۳ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- رضا سبزه - ساخته‌ی مهران وزیري ، ۱۵ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- رویا - ساخته‌ی رشید داوری ، ۱۶ دقیقه ، ۱۳۵۴ .
- رود زهر - ساخته‌ی کیانوش عیاری ، ۱۳۵۴ .
- زیارت - ساخته‌ی عبدالله باکیده ، ۲۳ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- زود بود رفتن - ساخته‌ی عبدالله باکیده ، ۱۳۵۶ .
- زیر طاقهای کاهگلی - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی ، ۲۰ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- سیاهی لشکر - ساخته‌ی مجید قاریزاده ، ۱۳۵۴ .
- سوک مشکوک - ساخته‌ی ابراهیم حقیقی ، ۲۰ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- شرنک - ساخته‌ی علیرضا اردلان ، ۱۳۵۴ .
- شکار - ساخته‌ی کیانوش عیاری ، ۲۰ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- شهر - ساخته‌ی فرج‌الله طالبی ، ۱۳۵۳ .
- عاشورا - ساخته‌ی بهنام جعفری ، ۲۰ دقیقه ، ۱۳۵۰ .
- عروس کهنه - ساخته‌ی زاون قوکاسیان ، ۱۵ دقیقه ، ۱۳۵۳ .

- علی اصغر - ساخته‌ی محمدعلی عرب، ۱۵ دقیقه، ۱۳۵۳.
- غبارنشین‌ها - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی، ۳۰ دقیقه، ۱۳۵۳.
- فصلی دیگر - ساخته‌ی زاون قوکاسیان، ۱۳۵۵.
- فاقالی‌لی - ساخته‌ی حسن سلطانی‌زاده، ۱۰ دقیقه، ۱۳۵۳.
- قرمزی روی دیوار - ساخته‌ی فرهاد پوراعظم، ۲۸ دقیقه، ۱۳۵۱.
- کاغد باد - ساخته‌ی حسین احدی، ۱۸ دقیقه، ۱۳۵۳.
- کبوتران قرمز - ساخته‌ی هرمز ناظم‌زاده، ۲۵ دقیقه، ۱۳۵۱.
- کلاع پر - ساخته‌ی علیرضا اردلان، ۱۴ دقیقه، ۱۳۵۳.
- کارماشین - ساخته‌ی احمد غفارمنش، ۱۶ دقیقه، ۱۳۵۴.
- لاشه‌ای در مد - ساخته‌ی درویش حیاتی، ۱۵ دقیقه، ۱۳۵۱.
- لحظه‌گرگ و میش - ساخته‌ی داود زندیان، ۱۵ دقیقه، ۱۳۵۴.
- لوئینه (آسیابان) - ساخته‌ی حجت‌الله رشنو، ۱۸ دقیقه، ۱۳۵۴.
- مرز متروک - ساخته‌ی رحمان ترابی، ۲۸ دقیقه.
- معراج - ساخته‌ی هرمز ناظم‌زاده، ۲۰ دقیقه، ۱۳۵۱.
- معلم من - ساخته‌ی مهدی صباغزاده، ۲۲ دقیقه، ۱۳۵۳.
- مکت - ساخته‌ی مجید قاری‌زاده، ۲۶ دقیقه، ۱۳۵۳.
- مگس‌ها هم - ساخته‌ی عباس مرشدی، ۲۴ دقیقه، ۱۳۵۰.
- موج - ساخته‌ی حسن بنی‌هاشمی، ۱۲ دقیقه، ۱۳۵۰.
- مویه لیلو - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی، ۱۲ دقیقه، ۱۳۵۳.
- مهاجرت - ساخته‌ی نادر مظلومی، ۲۰ دقیقه، ۱۳۵۳.
- ندر - ساخته‌ی عبدالله باکیده، ۱۴ دقیقه، ۱۳۵۴.
- وهم - ساخته‌ی محمد عقیلی، ۱۵ دقیقه، ۱۳۵۳.
- هجرت - ساخته‌ی حسن بنی‌هاشمی، ۱۶ دقیقه، ۱۳۵۱.
- هیس - ساخته‌ی داریوش ارجمند، ۱۴ دقیقه، ۱۳۵۳.
- یاس - ساخته‌ی احمد غفارمنش، ۱۶ دقیقه، ۱۳۵۴.

• انجمن سینمای جوان ایران - این مرکز فیلمسازی آماتور در سال ۱۳۵۳ با بودجه و نظارت وزارت فرهنگ و هنر و با سرپرستی بیژن مهاجر، مبلغ "سینمای آزمایشگاهی" تشکیل شده، بنیادنامه‌ی آن در ۱۳۵۴ از تصویب شورای عالی فرهنگ و هنر می‌گذرد. سینمای جوان، بغیر از تشکیل کلاسهای آموزشی در زمینه‌ی کار با دوربین‌های ۸ و ۱۶ میلیمتری، هر از گاهی، اقدام به برگزاری جشنواره‌های منطقه‌ای کرده، مراکزی در دیگر استانهای کشور دایر می‌کند.

این مرکز، خط‌مشی فیلمسازی خود را بر روی مضامینی همچون نوروز، چهارشنبه سوری و عرضه آثاری براساس جشن طوس، قرار داده بود. تعداد فیلمهایی که در سینمای جوان ساخته شد اندک است، و از جمله می‌توان فیلمهای زیر را نام برد:

- آرامگاه فردوسی - ساخته‌ی مشترک بنی‌هاشمی و غفارمنش، ۱۱ دقیقه.
- انسان، کتاب - ساخته‌ی محمد پورنظر، ۸ دقیقه.
- بهشت ریز پای مادران - ساخته‌ی علی اوحدی، ۱۲ دقیقه، ۱۳۵۴.
- پایان یک آغاز - ساخته‌ی سیروس سالمی، ۱۴ دقیقه.
- حسواره - ساخته‌ی جواد کهنموئی، ۲۵ دقیقه.
- جنگ رستم و دیو سفید - ساخته‌ی حسن اکبری، ۵ دقیقه، ۱۳۵۴.
- دستها - ساخته‌ی حسین پارسا، ۱۲ دقیقه.
- دو چرخه - ساخته‌ی مهرداد ابراهیمی، ۴۵ دقیقه.
- سوک یک دلاور - ساخته‌ی ولی محمدی، ۲۸ دقیقه، ۱۳۵۴.
- صدای تازه - ساخته‌ی نادر هرشاد، ۱۵ دقیقه.
- فردوسی - ساخته‌ی حسین قوانلو، ۱۲ دقیقه.
- قرقاولان - ساخته‌ی مجید جعفری، ۳۲ دقیقه.
- قلمکار - ساخته‌ی حسن بنی‌هاشمی، ۱۵ دقیقه، ۱۳۵۴.
- کنار - ساخته‌ی ولی محمدی، ۲۰ دقیقه، ۱۳۵۳.
- که رستم یلی بود - ساخته‌ی جهانفر افشار، ۲۵ دقیقه، ۱۳۵۴.
- هفت تبه - ساخته‌ی ولی محمدی، ۱۷ دقیقه.
- همیشه خورشید - ساخته‌ی احسان صحتی، ۳۰ دقیقه، ۱۳۵۴.

• دانشکده هنرهای دراماتیک - دانشکده هنرهای دراماتیک، وابسته به وزارت فرهنگ و هنر در دیماه سال ۱۳۴۲ به ریاست دکتر مهدی فروغ آغاز به کار کرد و اساسنامه و برنامه‌های آموزشی آن مورد تصویب وزارت علوم و آموزش عالی قرار گرفت. این دانشکده در پنج رشته‌ی تحصیلی در دوره‌های روزانه و شبانه دانشجو می‌پذیرفت. حداقل تحصیل برای دوره‌ی روزانه چهار سال و برای شبانه شش سال تعیین شده بود. اولین فارغ‌التحصیلان رشته‌ی سینمای این دانشکده در سال ۱۳۴۶ پایان‌نامه‌های خود را که عبارت از یک فیلم ۱۶ میلیمتری به مدت حداقل ۱۵ دقیقه بود، ساختند. از این سال به بعد هر ساله بین ده تا پانزده نفر در رشته سینما از این دانشکده فارغ‌التحصیل شدند که بعضاً در مراکز همچون وزارت فرهنگ و هنر، تلویزیون و یا دیگر مراکز سینمایی بکار پرداختند. در رشته‌ی سینمای این دانشکده، افرادی چون نصرت کریمی، پرویز شفا، هوشنگ کاووسی، بزرگمهر رفیعا، حسن فیاد، منوچهر طیب، خسرو سینائی، بهرام ری‌پور، محمدقلی ستار و مهرداد فخمی

در زمینه‌های فنی و تئوریک تدریس می‌کردند .

در کنار آموزش سینما در دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک، فعالیت‌های جنبی دیگری چون برگزاری جلسات نمایش فیلم‌های ۸ و ۱۶ و ۳۵ میلیمتری نیز جریان داشت، که در سال‌های ۵۷-۱۳۵۶ گسترش بیشتری یافت. در یکی از این جلسات فیلمهای سینمای آزاد به‌نمایش درآمد و در جلسه‌ی دیگری، در دیماه سال ۱۳۵۱، فیلمهای ۸ میلیمتری زیر نشان داده شد :

• اولین تجربه - ساخته‌ی محمد زرقانی، ۱۵ دقیقه.

• نکر - ساخته‌ی محمد زرقانی، ۱۵ دقیقه.

• سابه‌ها - ساخته‌ی علی نصیری، ۱۰ دقیقه.

• در این بریدگی هیچگونه تغییری ندهید - ساخته‌ی مسعود مدنی، ۱۵ دقیقه.

• شیراز - ساخته‌ی مهرداد زاهدنیا، ۱۵ دقیقه.

همانگونه که بیان شد، دانشجویان برای فارغ‌التحصیل شدن، فیلمهایی می‌ساختند که در آرشیو این دانشکده نگهداری می‌شود. غالب این آثار مضامینی پوچگرایانه و مردم‌گریزانه دارند، و از نظر تکنیکی کمتر فیلمی را در میان آنها می‌توان یافت که از خط و ربط محکمی برخوردار باشد. علت اصلی این امر را باید در دید مدرک‌پرستانه‌ی دانشجویان و تأثیر جو غیرمتعارف روشنفکرانه جستجو کرد.

بعضی از آثار ۱۶ میلیمتری ساخته شده در دانشکده هنرهای دراماتیک از این قرار است :

• آن گنگ خواب دیده - ساخته‌ی محمدرضا شریفی، ۱۵ دقیقه، سیاه و سفید.

• از کوره راهها - ساخته‌ی احمد السنی، ۴۰ دقیقه، رنگی.

• بازگشت - ساخته‌ی علی‌نقی ظاهری، ۱۴ دقیقه، سیاه و سفید.

• تصویر درشت یک کابوس - ساخته‌ی حسین دوانی، ۱۸ دقیقه، سیاه و سفید.

• زاویه - ساخته‌ی مرتضی شاملی، ۱۵ دقیقه، سیاه و سفید.

• رشب - ساخته‌ی جعفر زهنی، ۱۵ دقیقه، رنگی.

• سپس آفتاب کردند - ساخته‌ی تیرداد سخائی، ۱۴ دقیقه، سیاه و سفید.

• سرم سازی حصارک - ساخته‌ی منوچهر باستانی، سیاه و سفید.

• طلوع در شب - ساخته‌ی علیرضا کیانی، ۱۲ دقیقه، سیاه و سفید.

• فوتبال - ساخته‌ی آرش آذرکلاه، سیاه و سفید.

• قالی بافی - ساخته‌ی غزال ایران دوست، ۱۵ دقیقه، سیاه و سفید.

• ... که ایران سرای من است - ساخته‌ی زهرا خلیج، ۲۵ دقیقه، رنگی.

• گزارش یک واقعه - ساخته‌ی نعمت کاظمی، ۱۴ دقیقه، سیاه و سفید.

• ورامین - ساخته‌ی حسن حاج حسینی، سیاه و سفید.

• وارباسیون و تم - ساخته‌ی احمد ضابطی جهرمی، سیاه و سفید.

• همچون فرشتگان - ساخته‌ی پرویز محمدی، رنگی.



- همه‌جا نور بود - ساخته‌ی حمیدالدین صفائی ، ۱۸ دقیقه ، سیاه و سفید .
- یزد - ساخته‌ی غلامحسین فرهوش ، سیاه و سفید .
- دانشجویان رشته‌ی سینمای دانشکده‌ی هنرهای دراماتیک ، قبل از ساختن فیلم با دوربین ۱۶ میلیمتری ، که عمدتاً برای دریافت دانشنامه‌ی لیسانس صورت می‌گرفت ، طی دوران تحصیل نیز ، با دوربین ۸ میلیمتری دست به تجربه‌ورزی می‌زدند . چند نمونه از این آثار چنین شناسنامه‌ای دارند :
- پروار - ساخته‌ی جهانگیر کوشی ، ۱۰ دقیقه ، رنگی ، ۱۳۵۵ .
- عشق و نامردی و انتقام . . . - ساخته‌ی احمد کریمی ، ۱۵ دقیقه ، رنگی ، ۱۳۵۴ .
- منبها بر خاک - ساخته‌ی هوشنگ گل‌مکانی ، ۶ دقیقه ، رنگی ، ۱۳۵۵ .
- من می‌دانم بچه‌ها بهار را دوست دارند - ساخته‌ی سیدشهاب‌الدین عادل ، ۱۰ دقیقه ، رنگی ، ۱۳۵۵ .

• مدرسه عالی تلویزیون و سینما - در دیماه سال ۱۳۴۷ برای تامین نیروی انسانی مورد نیاز شبکه سراسری تلویزیون ، تشکیلاتی به نام "مرکز آموزش" بوجود آمد و با تصویب اساسنامه و برنامه‌های آموزشی این مرکز توسط وزارت علوم و آموزش عالی ، در اسفند ماه سال ۱۳۴۸ به "مدرسه عالی تلویزیون و سینما" تغییرنام پیدا کرد . دوره‌ی تحصیل در این مرکز در ابتدا یک سال بود که بعداً به دو سال افزایش یافت و دانشجویان در این مدرسه در دو رشته‌ی فنی و تولید در زمینه‌ی کارگردانی ، فیلمبرداری ، تدوین ، الکترونیک ، صدا ، تهیه و رپرتاژ به دریافت فوق دیپلم نائل می‌شدند و تا حد زیادی می‌توانستند جوابگوی نیاز مراکز استانها و شهرستانها باشند . به تعداد معدودی از فیلمهای تهیه شده در این مرکز اشاره می‌کنیم :

- آحر ، آهن ، آدم - ساخته‌ی قاسم شاکری - ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- ارگ بم - ساخته‌ی فخرالدین سیدی - ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- به‌ورز - ساخته‌ی فریده پاک - ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- حبه‌سوران - ساخته‌ی عباس یاری - ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- خورشید کویر - ساخته‌ی غلامرضا آزادی و فریال بهزاد ، ۱۶ میلیمتری ، رنگی .
- زری باقی - ساخته‌ی امیر نظران ، ۱۶ میلیمتری ، رنگی .
- کرمان اصالتی ناپایدار - ساخته‌ی مهدی رحیمیان ، ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- مرکز ارتوپدی - ساخته‌ی عباس افشار ، ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- مسحدشاه - ساخته‌ی فواد نجف‌زاده - ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- موره ایران باستان - کارگردان نسرین حافظی مقدم ، ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .
- سخل بی‌سر - ساخته‌ی غلامرضا آزادی ، ۱۶ میلیمتری ، سیاه و سفید .

• مرکز آموزش فیلمسازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان - این مرکز در سال ۱۳۴۹ تشکیل می‌شود و کتابخانه‌های کانون را زیر پوشش خود قرار می‌دهد . پیش از این مسئولان کانون با



توجه به اشتیاق کودکان و نوجوانان برای تهیه فیلمهای ۸ میلیمتری، مقدمات کار را فراهم آورده بودند، و در سال ۱۳۴۸ یکی از دست اندرکاران آموزش فیلمسازی را به خارج فرستادند تا پس از بازگشت طرح اداره‌ی چنین مرکزی را بریزد و به اجرا درآورد.

تهیه‌ی امکانات و آموزش علاقمندان یکسال و خرده‌ای طول می‌کشید، و سرانجام در خرداد ماه سال ۱۳۵۱ اولین محصولات مرکز آموزش فیلمسازی عرضه می‌شود. هشت فیلم، دستاورد این دوره است. در تابستان ۱۳۵۱ کانون پرورش تعدادی از این فیلمها را به فستیوال فیلمهای کودکان و نوجوانان در میلان ایتالیا فرستاد و دو فیلم "ترس در کوچه" و "دید زن" موفق به اخذ جایزه‌ی اول و دوم فستیوال شدند.

در این ایام، تمام کتابخانه‌های تهران هفته‌ای چهار ساعت آموزش فیلمسازی داشتند و مجموعاً مجهز به ۵ دستگاه دوربین فیلمبرداری ۸ میلیمتری کانس، ۵ دستگاه پرژکتور نمایش از نوع بوئر، ۵ دستگاه تدوین فیلم و ۵ دستگاه پرژکتور نوری ۱۰۰۰ وات و پرده‌ی نمایش و سایر وسایل مربوطه بودند. پنج مربی در بانزده کتابخانه متعلق به کانون در تهران آموزش فیلمسازی می‌دادند. و آموزش‌های آنان شامل تدریس اصول اولیه‌ی فیلمسازی، آشنایی با دوربین و پرژکتور، طرز نورپردازی و کار با دوربین فیلمبرداری می‌شد. اصولاً کلیه‌ی امور فیلمسازی - از انتخاب فضا و سناریونویسی تا فیلمبرداری و مونتاز و صداگذاری - توسط خود کودکان انجام می‌گرفت.

در سال ۱۳۵۲، این مرکز، امکانات خود را وسیعتر کرد، آموزش دهندگان افزایش یافتند و بالطبع علاقمندان بیشتری جذب شدند. چنین است که حاصل یکسال فعالیت، تعداد سی و هشت فیلم به مدت چهار ساعت و سی دقیقه است که از این میان سه فیلم "قلمدوش"، "سرامیک" و "مرغ" از میان پنج فیلم ارسالی به فستیوال بین‌المللی فیلم‌های ۸ میلیمتری در هلستینکی موفق به دریافت سه جایزه گردیدند.

سال ۱۳۵۳ فعالیت تشکیلات پر دامنه‌تر شد، به گونه‌ای که در شهرستانهای اهواز، رشت، فومن و مشهد نیز شصت و هفت هنرآموز زیر نظر سه مربی به فیلمسازی پرداختند. در تهران شمار هنرآموزان به حدود سیصد نفر رسید و آنان در این سال هشتاد و نه فیلم به مدت پنج ساعت و چهل دقیقه ساختند. در سال ۱۳۵۴ تعداد هنرآموزان شهرستانی افزایش چشمگیری یافت، و نسبت به سال قبل تعداد آنها به چهارصد و شصت نفر رسید، به همین ترتیب نیز تعداد مربیان به دوازده نفر افزایش پیدا کرد. در این سال رویهمرفته هشتاد و سه فیلم ساخته شد، و بازار ارسال آنها به جشنواره‌های فیلمهای ۸، کافی‌السابق داغ بود؛ چهار فیلم به جشنواره‌های بین‌المللی "جیفونی" ایتالیا، سه فیلم به جشنواره بین‌المللی "هیروشیما" ژاپن، سه فیلم به جشنواره آسیایی A.B.U (برکزار شده در شیراز) و شش فیلم نیز به جشنواره‌های بین‌المللی "میوز" تل‌آویو فرستاده شد، که برخی از آنها به جوایزی (دو جایزه از ژاپن و جوایز اول و دوم تل‌آویو) دست یافتند.

شکل کار این کلاسها بدین ترتیب بود که هنرجویان می‌بایست ابتدا طی یکی دو سال آموزشهای لازم را ببینند، و چنانچه شایستگی ادامه‌ی کار را داشتند دور دوم کارشان را با گذراندن

یک امتحان آغاز می‌کردند و در صورت قبول شدن، آموزش گسترده‌تری را پیش رو داشتند. اینان می‌بایست همراه با آموزش‌های تئوریک، فیلمهای داستانی نیز می‌ساختند. در صورت توفیق در مرحله دوم، مرحله سوم دربرگیرنده‌ی کار با دوربین‌های ۱۶ میلیمتری بود و چنانچه در این راه توفیق می‌یافتند، به مراکز سینمایی کانون راه پیدا می‌کردند.

در سال ۱۳۵۵ حدود شصت فیلم در تهران و شهرستانها ساخته شد و همچون سالهای قبل تعدادی از این فیلمها در جشنواره‌های جهانی شرکت جستند، از جمله:

۱- فیلم "عامل"، ساخته‌ی مهدی حکاک، ۱۶ ساله، هنرجوی کلاسهای فیلمسازی کتابخانه‌ی شماره‌ی یک اهواز، برنده‌ی دیپلم جشنواره‌ی بین‌المللی شیکاگو.

۲- فیلم "بهار در آئینه"، ساخته‌ی رضا خزائی پارسا، ۱۸ ساله، هنرجوی کلاسهای ۱۶ میلیمتری، برنده‌ی دیپلم از جشنواره بین‌المللی شیکاگو.

۳- فیلم "در یک نگاه" ساخته‌ی محمدرضا علیقلی، ۱۷ ساله، پلاک طلای دهمین فستیوال "میوز" تل‌آویو.

در کل، مراکز آموزش فیلمسازی کانون نقش زیادی در آموزش علاقمندان به هنر فیلمسازی داشتند. از میان آموزش‌دیدگان این مراکز تعداد اندکی توانستند به مراحل تکامل‌یافته‌تری راه پیدا کنند. قابل ذکر است که مرکز آموزش فیلمسازی کانون از سال ۱۳۵۳، تشکیلاتی نیز جهت یادگیری ساختن فیلمهای نقاشی منحرک دایر کرد. این تشکیلات تعدادی مربی آموزش داد و آنها را روانه‌ی مراکز کتابخانه‌ها کرد تا آموخته‌هایشان را در اختیار دیگران قرار دهند.

• در پایان باید گفت فیلمسازان آماتوری بودند که به هیچ‌یک از مراکز نام‌برده وابستگی نداشتند. اینان بعضاً خود در محلاتشان دست به تشکیل گروه زدند و اقدام به ساختن فیلم کردند. و عده‌ای نیز یک‌تنه و با هزینه‌ی شخصی فیلم می‌ساختند. برخی از این افراد و گروه‌های منفرد، آثار خوبی نیز پدید آوردند و در مجامع سینمایی و جشنواره‌های سینمای آماتور ایران مورد تشویق قرار گرفتند. تعدادی از این فیلم‌ها از این قرار است:

• بازیاب مصیب - ساخته‌ی احمدرضا یوسفی، ۹ دقیقه، ۱۳۵۴.

• بازی - ساخته‌ی بیژن امکانیان، ۱۰ دقیقه، ۱۳۵۴.

• بدسال حورشید - ساخته‌ی حسین ناطقی، ۱۳ دقیقه، ۱۳۵۳.

• تداعی - ساخته‌ی محمود پرویزی، ۱۸ دقیقه، ۱۳۵۴.

• ترافیک تهران - ساخته‌ی فیروز گوهری، ۵ دقیقه، ۱۳۵۰.

• تکرار - ساخته‌ی محمود پرویزی، ۱۲ دقیقه، ۱۳۵۴.

• جنگل مولا - ساخته‌ی احمد غفارمنش، ۲۵ دقیقه، ۱۳۴۹.

• ختنه - ساخته‌ی ناصر سنبلستانی (با یاری تلویزیون ملی ایران)، ۱۴ دقیقه، ۱۳۵۳.

• حیره به راه - ساخته‌ی محمد پیراحمدی، ۱۷ دقیقه، ۱۳۵۴.

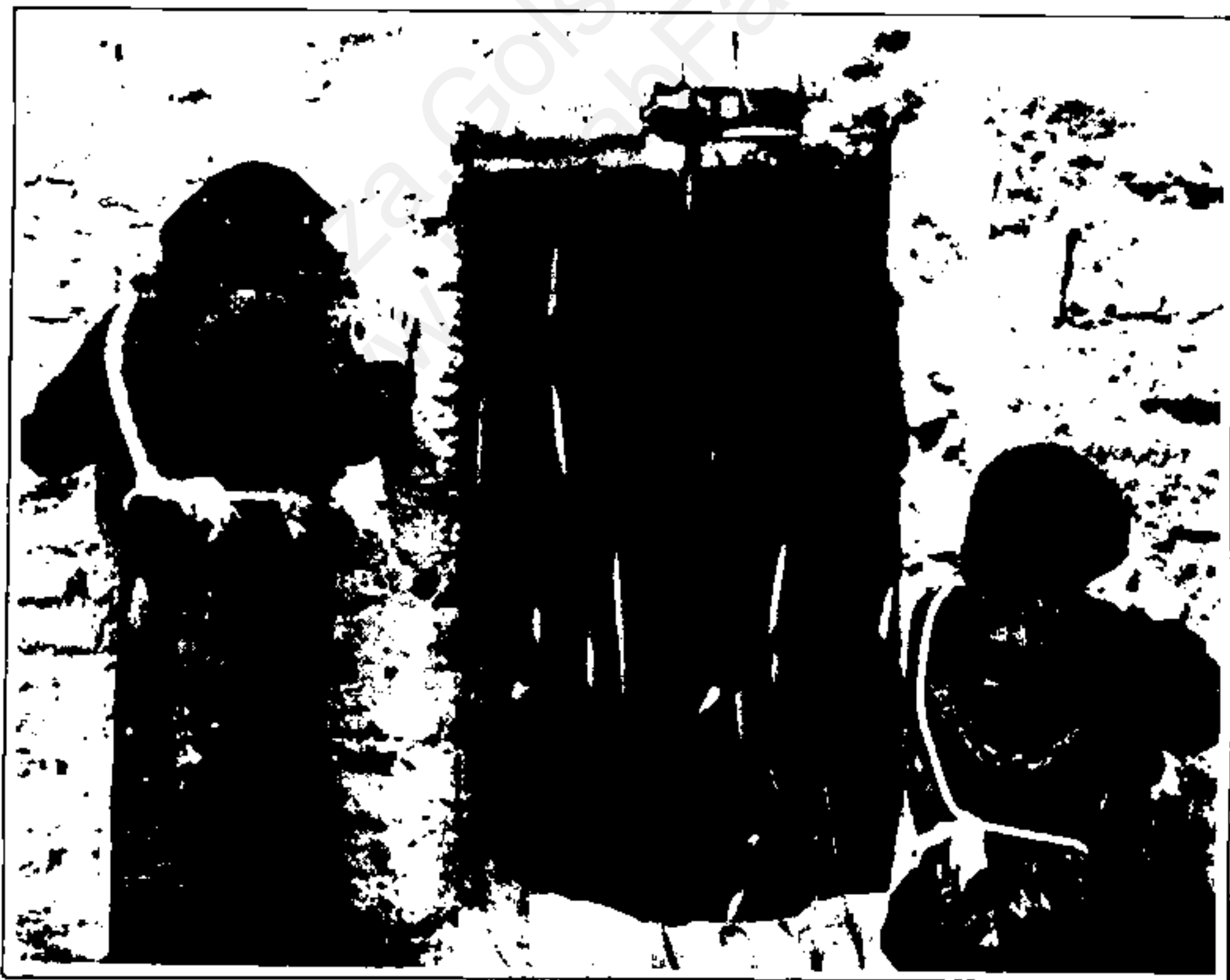
- دایره‌ها - ساخته‌ی منوچهر حسین‌پور ، ۳ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- در شهر - ساخته‌ی الهیار مقدم ، ۱۱ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- دید برن - ساخته‌ی جعفر صادقی ، ۵ دقیقه ، ۱۳۵۰ .
- دیوارهای منسوک - ساخته‌ی رضا مهیمن ، ۱۰ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- در مسان در بیتس است - ساخته‌ی ناصر غلامرضائی ، ۹ دقیقه ، ۱۳۴۹ .
- سوگ - ساخته‌ی هوشنگ یونسی ، ۲۰ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- شماره ۲ - ساخته‌ی ایرج رامین‌فر ، ۲ دقیقه ، ۱۳۵۰ .
- صحرا - ساخته‌ی اصغر شادروان ، ۱۰ دقیقه ، ۱۳۵۳ .
- عتیقه - ساخته‌ی حسین امیدپانی ، ۱۰ دقیقه ، ۱۳۵۴ .
- عرب - ساخته‌ی ابراهیم حقیقی ، ۵ دقیقه ، ۱۳۵۲ .
- کولبار - ساخته‌ی عبدالصمد حمیدی ، ۱۰ دقیقه ، ۱۳۵۰ .
- وا همه - ساخته‌ی حسن بنی‌هاشمی ، ۲۲ دقیقه ، ۱۳۵۳ .

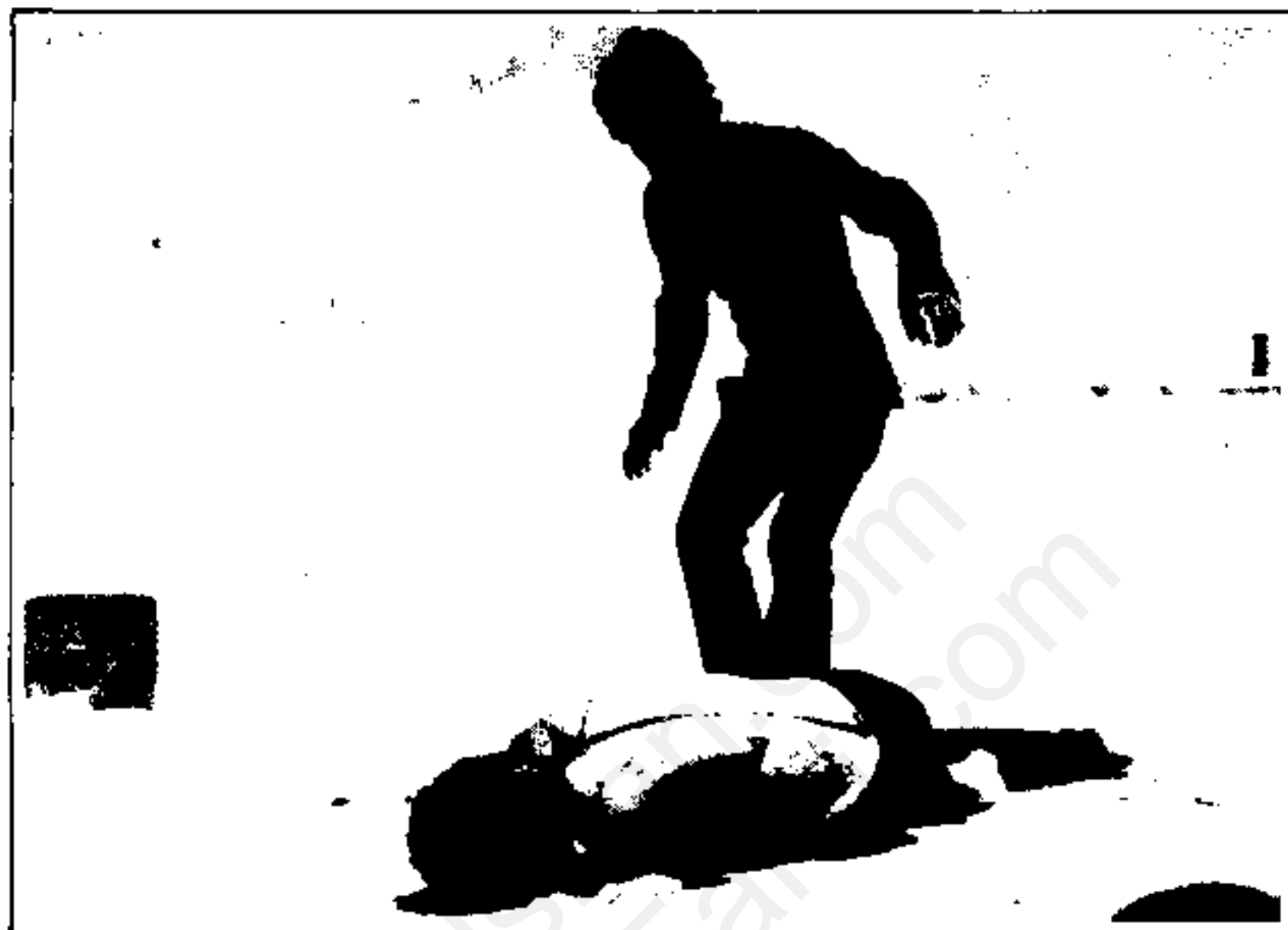




«ارتفاع متروک» (۱۳۴۹) ساخته‌ی بهنام جعفری

«جد هراسی دارد ظلمت روح» (۱۳۵۱) ساخته‌ی نصیب نصیبی





«آنسوی آتش»
(۱۳۵۱)
ساخته‌ی گیانوش عیاری



«زیارت» (۱۳۵۳)
ساخته‌ی عبدالله باکیده



«مکت» (۱۳۵۳) ساخته‌ی محید قاریزاده
«معلم من» (۱۳۵۳) ساخته‌ی مهدی صباغزاده





• "دیوارهای مشترک" (۱۳۵۴) ساخته‌ی رضا مهیمن
• پشت صحنه‌ی فیلم "شرنگ" (۱۳۵۴) ساخته‌ی علیرضا اردلان





«هیس» (۱۳۵۴) ساخته‌ی داریوش ارجمند
«انتها» (۱۳۵۴) ساخته‌ی مجید قاری‌زاده





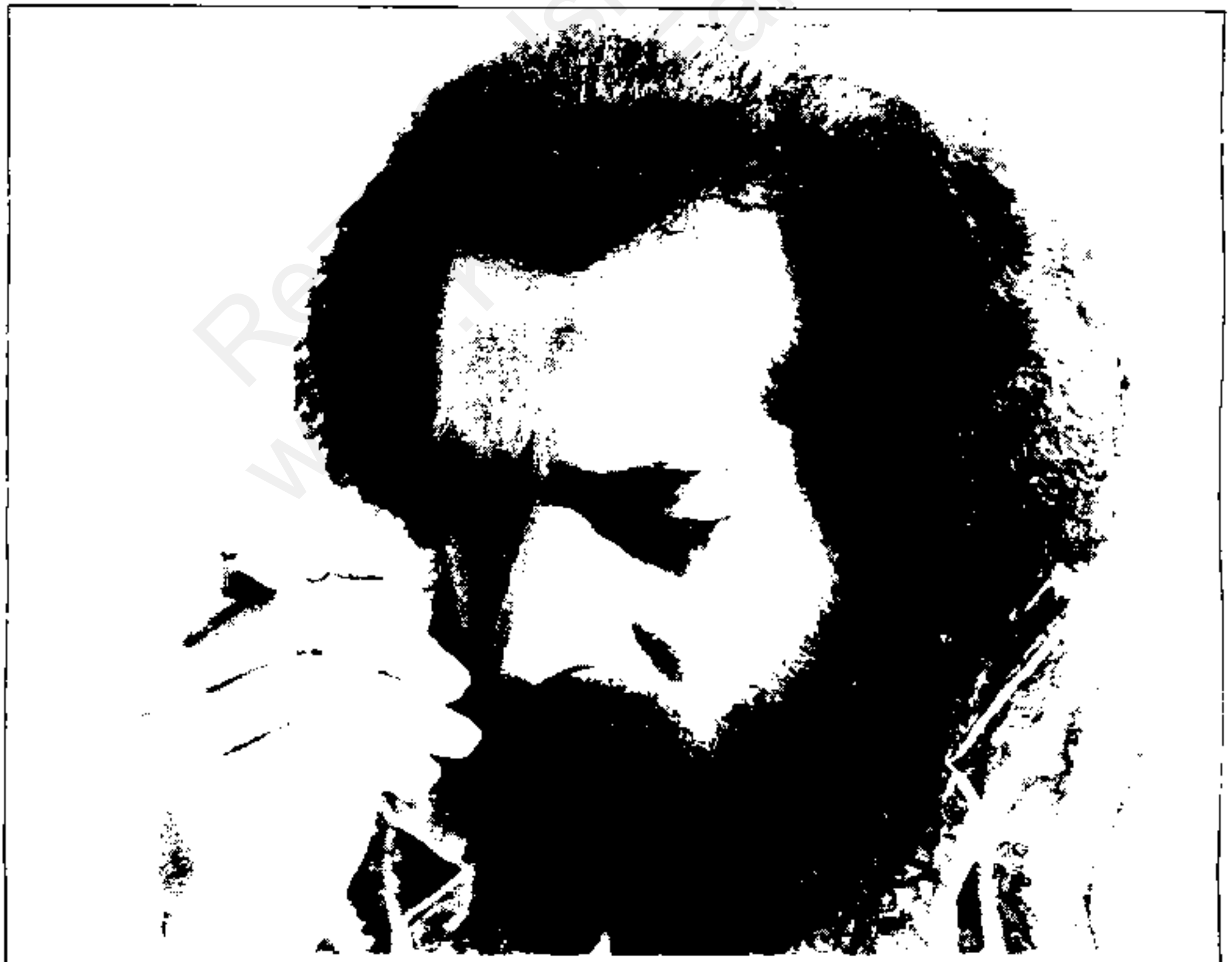
• "رویا" (۱۳۵۴) ساخته‌ی رشید داوری
• "رود زهر" (۱۳۵۴) ساخته‌ی کیانوش عیاری





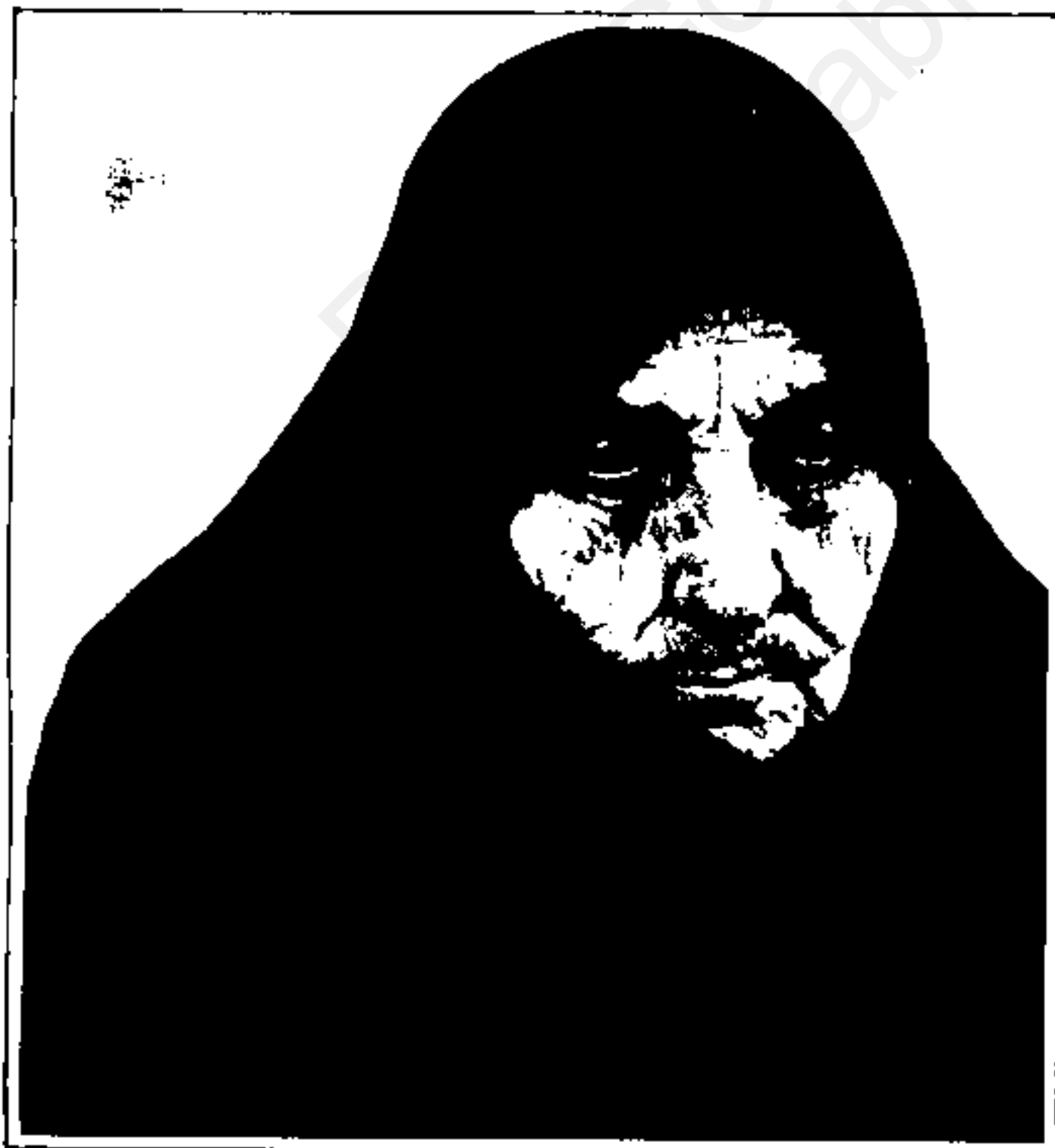
ه "سیاهی لشکر" (۱۳۵۴)
ساخته‌ی مجید قاریزاده

ه "بازی تمام شد" (۱۳۵۵)
ساخته‌ی مهرداد تدین

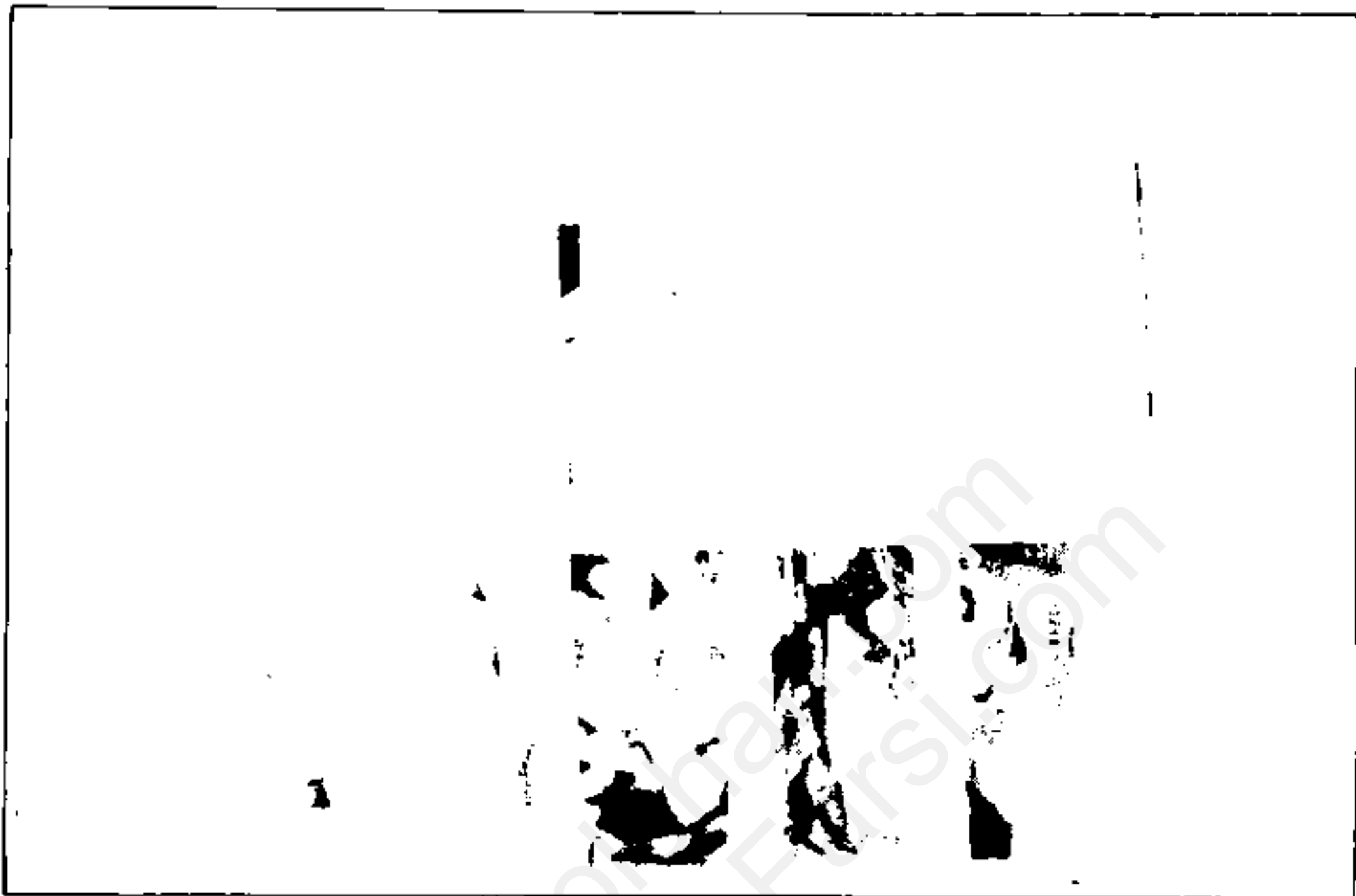




ه "خاکباران" (۱۳۵۵)
ساخته‌ی گیانوش عیاری



ه "فصلی دیگر" (۱۳۵۵)
ساخته‌ی زاون قوگاسیان



• "زود بود رفتن" (۱۳۵۶) ساخته‌ی عبدالله باکیده
• "آوار شب" (۱۳۵۶) ساخته‌ی مهدی صباغزاده





«چه پرستاره بود شیم» (۱۳۵۶) ساخته‌ی ناصر غلامرضائی
«بایرام» (۱۳۵۶) ساخته‌ی محمّد قاریزاده

